

کوتاه از دیپلماسی

در سفروین برای شرکت در کمیسیون مشترک برجام عراقچی از آغاز غنی‌سازی ۶۰ درصدی در ایران خبر داد

● سیدعباس عراقچی، معاون سیاسی وزارت امور خارجه و مذاکره‌کننده ارشد هسته‌های ایران، از آغاز غنی‌سازی ۶۰درصدی خبر داد. به گزارش ایرنا، سیدعباس عراقچی که برای ادامه گفت‌وگوها و نشست کمیسیون مشترک برجام امروز به وین سفر کرده است، این خبر را اعلام کرد. معاون سیاسی وزیر امور خارجه روز گذشته در نامه‌ای به رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، اعلام کرده است ایران غنی‌سازی ۶۰درصدی را آغاز می‌کند. عراقچی همچنین اعلام کرد: «هزار سانتریفیوژ دیگر با ۵۰ درصد ظرفیت بیشتر به ماشین‌های موجود در نظر، علاوه بر جایگزینی ماشین‌های صدمه‌دیده، اضافه می‌شود». اظهارات عراقچی در سفر وین خرابکاری در اساسیات هسته‌ای نطنز باعث خسارت‌هایی شد، البته بدون تلفات و نشست الودگی. مقامات ایران، اسرائیل را مسئول این خرابکاری خواندند و گزارش رسانه‌های خارجی به نقل از منابع آگاه نیز حاکی از انجام عملیات اسرائیل در این زمینه بود. پیش‌تر و پس از این حادثه، علی‌اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران و سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وزارت خارجه، اعلام کرده بودند بخش‌های آسیب‌دیده با تجهیزات جدیدتر و کارآمدتر جایگزین خواهند شد. عراقچی دیروز برای شرکت در نشست امروز کمیسیون مشترک برجام راهی وین شد.

لژوم تسریع در راه‌اندازی خط تولید مشترک ایران و روسیه در واکنس کرونا

● **ایسنا:** حسن روحانی روز سه‌شنبه در دیدار «سرگئی لاوروف» وزیر امور خارجه روسیه، با اشاره به علاقه‌مندی جمهوری اسلامی ایران برای توسعه همکاری‌های منطقه‌ای، از توسعه این همکاری‌ها با هدف کمک به برقراری صلح و ثبات در منطقه به‌عنوان اقدامی راهبردی در مقابله با یکجانبه‌گرایی آمریکا و مداخله در امور منطقه از سوی این کشور استقبال کرد. روحانی در ادامه بر لزوم توسعه همکاری‌های دفاعی و نظامی ایران و روسیه با توجه به پایان تحریم‌های تسلیحاتی ایران از ماه اکتبر سال گذشته، تأکید کرد. رئیس‌جمهور با قدردانی از مواضع و حمایت‌های مسکو از مذاکرات هسته‌ای، بر تداوم تلاش‌ها برای حفظ و احیای برجام به‌عنوان یک توافق چندجانبه بین‌المللی که الگوی برای حل‌وفصل مشکلات از مسیر مذاکره و دیپلماسی بوده است، تأکید کرد و گفت: امروز آمریکا و همه دنیا به این نتیجه رسیده‌اند که فشار حداکثری شکست خورده و تنها راه آمریکا برای بازگشت به برجام، لغو تحریم‌هاست. روحانی افزود: حرکت دو کشور در این خصوص نشان‌دهنده نگاه مشترک درمورد مسائل بین‌المللی از جمله برجام است و همچنین امروز برای اینکه بتوانیم برجام را احیا و فعال کنیم، همکاری دو کشور به‌طور قطع بسیار مؤثر خواهد بود.

رئیس‌جمهور تأکید کرد: ما درواقع می‌خواهیم فضا و روابط به تعهدات و توافقات سال ۲۰۱۵ برگردد و همه طرف‌های برجام، همان قول‌ها و گفت‌وگوهایی خود را عملیاتی کنند و هرآنچه در آن زمان توافق‌شده پذیرفته شود، نه حاضرم کمتر از آن را بپذیریم و نه دنبال آن هستیم که بیش از آن را به دست آوریم. روحانی در ادامه با اشاره به مشکلات و بحران‌های منطقه‌ای از جمله بحران یمن و سوریه به تداوم همکاری‌ها و تبادل‌نظر ایران و روسیه به‌عنوان دو کشور تأثیرگذار منطقه برای حل‌وفصل بحران‌ها و مشکلات منطقه‌ای تأکید کرد. روحانی در این دیدار با اشاره به موفقیت‌های روسیه در زمینه کرونا و توقف در ساخت واکسن، تسریع در ارسال محموله‌های واکسن ساخت این کشور به ایران را مورد اشاره قرار داد و بر لزوم تسریع در راه‌اندازی خط تولید مشترک واکسن در کشورمان تأکید کرد. وزیر امور خارجه روسیه نیز در این دیدار با بیان اینکه دو کشور برای توسعه و تعمیق روابط مصمم بوده و اراده قوی دارند، گفت: برای توسعه همکاری‌های مسکو – تهران از جمله همکاری‌های علمی و دفاعی هیچ محدودیتی وجود ندارد. «سرگئی لاوروف» با بیان اینکه ایران و روسیه درخصوص همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی اهداف مشترک و نزدیک دارند، به مذاکرات هسته‌ای اخیر در وین و تمایل آمریکا برای بازگشت به برجام اشاره کرد و افزود: تنها راه‌حل مسئله از نظر مسکو جایگزینی بی‌قیدوشرط و کامل آمریکا به برجام با اجرای قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد و عمل به تعهدات از سوی این کشور است. از نظر ما این کاملا غیرمفيد است که از ایران خواسته شود در چارچوب برجام شرایط جدیدی را بپذیرد یا فراتر از تعهدات خود در قالب برجام عمل کند.

زینب اسماعیلی سیویری؛ برای بسیاری ورود به سال ۱۴۰۰ و فرارگرفتن در آستانه قرن چهاردهم، نقطه‌عطف مهمی به حساب می‌آید. در همین شرایط حتما ابهامات و سؤالات زیادی در تحلیل وضعیت و دورنمای روابط بین‌الملل ایران وجود دارد. در گفت‌وگو با دیاکو حسینی، پژوهشگر و مدیر برنامه مطالعات جهان مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری، به عمده‌ترین این سؤالات پرداختیم. اینکه ایران در ۱۴۰۰ چه شرایط استراتژیکی دارد و این وضعیت در تعاملش با شرق و غرب از ایلات متحده تا چین چه تأثیر و تأثیری می‌گذارد. در گفت‌وگو با صراحت بیشتری به مسائل ایران با جهان می‌پردازد که باید برایش ایده‌هایی اندیشیده شود.

✎ **ایران وارد سال ۱۴۰۰ شده، در این بازه زمانی جایگاه و شرایط استراتژیک ایران چگونه است و چه خطراتی آن را تهدید می‌کند و چه امتیازاتی برای ایران در این زمان وجود دارد؟**

در قیاس با چهار سال اخیر که تحت تحریم‌های سخت قرار داشتیم و در چندین نوبت تا لیه برنگاه جنگ پیش رفتیم، می‌توان انتظار داشت که ۱۴۰۰ به‌مراتب سال بهتری باشد اما در نهایت باید توجه داشت که هیچ سرنوشتی برای هیچ کشوری مقدر نیست، سرنوشت ما محصول انتخاب‌هایی است که انجام می‌دهیم. خاتمه فشار و تحریم‌های شدید بر ایران با جابه‌جایی دولت آمریکا می‌تواند زمینه‌ساز فرصت‌های تازه‌ای برای عبور از دشواری‌های سال قبل نه‌تنها در تجارت خارجی بلکه در روابط منطقه‌ای باشد. این به‌معنای ساده‌لوحی و نادیده‌گرفتن عمق خصوصیت‌های میان ایران و آمریکا نیست اما درعین‌حال این‌هم واقعیت دارد که سیاست‌های دولت بایدن بر اساس خودکاوی کاملا متفاوتی از خودکاوی دولت ترامپ بنا شده و در خلال همین تفاوت در ارزیابی از سیاست‌های پیشین، می‌توان فرصت‌هایی را جست‌وجو کرد که هزینه‌های رقابت ایران با آمریکا را به حداقل کاهش دهد. من انتظار دارم که با ادامه این روند مثبت، عربستان سعودی با نایم‌شدن از همراهی و حمایت بی‌قیدوشرط آمریکا از ادامه جنگ یمن، آمادگی بیشتری برای مصالحه پیدا کند؛ همین‌طور یک سفیدی برای اسرائیل در کار نخواهد بود. روند خروج آمریکا از افغانستان ادامه پیدا می‌کند و ممکن است شرایط سیاسی مناسب‌تری برای خاتمه نهایی جنگ در سوریه و رسیدن به فرمولی رضایت‌بخش برای همه طرف‌های درگیر ایجاد شود. تمرکز بیشتر آمریکا بر شرق آسیا، فضای تنفس بیشتری در این منطقه باز می‌کند که البته الزاما امنیت بیشتری برای این منطقه به بار نمی‌آورد. اگر کشمکش‌ها، سوت‌فاهمه‌ها و اختلافات منطقه‌ای همچنان باقی بماند، توجه کمتر اسرائیل به این منطقه می‌تواند موجب تشدید رقابت‌ها برای جبران خلأ ژئوپلیتیکی شود و صف‌آرایی‌های تازه‌ا را ایجاد کند. تا همین امروز هم روند عادی‌سازی روابط اسرائیل و تعدادی از کشورهای عربی تهدیداتی را متوجه ایران کرده است. ایران می‌تواند به ایالات متحده‌ای که درحال کم‌ترکردن بار مسئولیت‌های خود در خلیج فارس و آسیای غربی است، به عنوان برگ بازی برای خاتمه متحدان آمریکا به‌منظوررسیدن به یک توافق گسترده‌تر که ضامن اتمام تنش‌ها و رقابت‌های مغرب باشد، نگاه کند. ما باید درک کنیم که هم‌زمان با خصوصیت‌ها و اختلاف‌های لاینحلی که با آمریکا داریم، منافع مشترکی در میان‌دندان به ترتیب‌اتمی این منطقه هم داریم که تنها از راه یک همکاری محدود و حساب‌شده قابل تحقق است. هیچ‌کدام از این فرصت‌ها محقق نخواهد شد اگر بیش منطف و عمیقی نسبت به جایگاهی که می‌خواهیم ایران در ۱۴۰۰ و فراتر از آن به‌دست آورد، نداشته باشیم. همین‌طور نمی‌توانیم از سیاست‌ها در روابط خارجی استفاده کنیم اگر توانیم فرصت‌های داخلی و منافع حزبی و جناحی را از سیاست خارجی جدا کنیم. امیدوارم در سال ۱۴۰۰ نیازی به تکرار این امر دیدهی نباشد که قدرت نظامی و قدرت دیپلماسی هر دو ابزارهایی در خدمت سیاست خارجی هستند که به اقتضای شرایط و نیاز باید به خدمت گرفته شوند و لاجرم باید از یک مرکز پیش‌فرض واحد هدایت و هماهنگ شوند. این دو نهادهایی که آنها را نمایندگی می‌کنند، جایگزین و رقیب هم نیستند. در سال‌های اخیر کمتر مسئله‌ای را به اندازه مجادله‌ها و مشاجره‌هایی که تلاش داشت، یکی از این دو را بر دیگری ترجیح بدهد، آرزو‌دهنده دیدم. متأسفانه در هشت سال گذشته، سیاست داخلی و رقابت جناحی موانع بزرگ و تعیین‌کننده‌ای را بر سر راه سیاست خارجی آوار کرد. باید امیدوار باشیم که فارغ از آنکه دولت آینده چه چرایی‌شی در سیاست داخلی داشته باشد، این پیوند زبان‌بار قطع شود و امکان بهره‌برداری از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدها بهتر از قبل فراهم شود.

✎ **اگر اکنون مهم‌ترین بازیگران در عرصه روابط خارجی کشورمان را آمریکا، اروپا، روسیه و چین بدانیم، این پیش‌فرض درست است که رابطه ما با بقیه وابسته به رابطه‌مان با آمریکا و لغو تحریم‌های این کشور علیه ایران نیست؟**

تنش دائمی بین ایران و آمریکا اجازه متبلورشدن همه استعدادهای اقتصادی و سیاسی در روابط ایران با دیگران را نمی‌دهد. این مانع منطف ساده‌ای دارد. هیچ کشوری احتمالاً جز کره شمالی نمی‌خواهد در بازی حاصل جمع جبری صفر با آمریکا قرار بگیرد. درحال‌حاضر رقابت ایدئولوژیکی بین آمریکا و سایر قدرت‌های بزرگ وجود ندارد و رقابت‌های استراتژیک، آن‌چنان آشتی‌ناپذیر نیستند که مستلزم پذیرش و تحمل ریسک بالایی باشند. برای روسیه و چین، اهمیت زیادی دارد که ایران سرانجام در مدار آمریکا قرار نگیرد. ما درعین‌حال هیچ‌کدام قصد ندارند که بخشی از این مزاعزه پرشدت باشند. این سکه یک

دیپلماسی

دیاکو حسینی، پژوهشگر مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری، در گفت‌وگو با «شرق»:

برگ بازی ایران برای چانه‌زنی با آمریکا



روی دیگر هم دارد و آن اینکه چین و روسیه نمی‌خواهند ایران با شکست‌دادن آمریکا به‌لحاظ سیاسی و استراتژیک یا با تجدید روابط غیرخصمانه، به قدرتی بزرگ‌تر از آنچه هست، تبدیل شود. ایران به خاطر موقعیت جغرافیایی و استعدادهای طبیعی‌اش در تسلط بر محور خزر- خلیج فارس، بالقوه یک تهدید بلندمدت برای چین و روسیه هم هست. آنها نمی‌خواهند در این منطقه محوری جهان با یک قدرت نوظهور دیگر جا‌بناظلی‌های ژئوپلیتیکی دست‌وپنجه نرم کنند. تنش‌های ایران و آمریکا این مسئله را تضمین می‌کند. بنابراین راه عقلمانه برای آنها این است که با وضعیت موجود در روابط ایران و آمریکا که مانعی برای جهش اقتصادی و نظامی ایران است، حمایت کنند؛ یعنی وضعیتی که در آن، ایران و آمریکا و مجموعه متحدان آن در تله تنش کمتر از جنگ گرفتار شده‌اند و ایران به‌واسطه تحریم و ائتلاف‌های منطقه‌ای محدود شده است. آنها از این طریق می‌توانند اطمینان پیدا کنند که ایالات متحده مسیر هموار و بی‌دسری برای چیرگی بر این منطقه محوری نخواهد داشت و در مقابل، ایران با تمرکز بر دفع تهدید آمریکا و متحدانش، فرصت و انرژی اقتصادی و سیاسی زیادی برای نقش‌آفرینی‌های فراتر از مجادله با آمریکا و متحدانش پیدا نمی‌کند. با این توصیف اگر به سؤوال شما برگردیم، می‌توان گفت که تحریم علیه ایران، از زاویه نگاه ما، تا اندازه زیادی مانع از تحقق شکوفایی همه ابعاد معاشی مناسب‌تری با دیگران می‌شود اما از زاویه نگاه شماری از مهم‌ترین قدرت‌های بزرگ، این تحریم‌ها آن‌قدرها هم بد نیستند.

✎ **هفته اول فروردین سنه همکاری ۲۵ساله ایران و چین امضا شد. در ابتدا این را بی‌رسم که شما جایگاه مهم می‌دانید؟ آیا داشتن این سند ارزش‌افزوده‌ای به ایران فعلی برای همکاری با جهان می‌دهد یا تنها در رابطه دو کشور نقش ایفا می‌کند؟**

امضای این سند همکاری که نقشه‌راهی در روابط ایران و چین ترسیم کرد، باید سال‌ها پیش انجام می‌گرفت. ما مدت زمان زیادی است که از گردونه مشارکت‌ها و رقابت‌های اقتصادی قرن بیست‌ویکم عقب مانده‌ایم. ایران یک کشور کلیدی در کریدور ارتباطی غرب و شرق است و در صورتی که جایگاه شایسته‌اش را در پروژه‌های مواصلاتی از جمله در پروژه‌های یک کمربند-یک راه چین پیدا کند، می‌تواند هر خود را برای تبدیل‌شدن به یک بازیگر غیرقابل چشم‌پوشی هموار کند. آنچه امضا شد صرفاً یک نقشه راه است. بدون هیچ تعهد و الزامی برای طرفین، این سند بازآب اراده و تمایل تهران و ترکی نسبت به حوزه‌هایی است که می‌توانند باهم کار کنند. با پیشرفت ایران و چین در انعقاد توافقی‌های تکمیلی مطابق این نقشه راه، چین نفوذ بی‌سابقه‌ای در این منطقه از جهان پیدا می‌کند و در مقابل ایران با استفاده از سرمایه‌گذاری و همکاری فنی با چین، می‌تواند نقش مؤثرتری در انعقاد منطقه و جهان بازی کند. بااین‌حال نباید دراین‌باره اغراق کرد. عده‌ای به اشتباه تصور می‌کنند که با این سند و شاید توافقی‌های بعدی، ایران را از شر تحریم‌های آمریکا خلاص کرده‌اند. تجربه گذشته نشان داده که چین درست به اندازه دیگر کشورها از رژیم تحریم‌ها علیه ایران تبعیت می‌کند. به همین دلیل بود که چین تنها بعد از انعقاد توافقی برجام، به‌طورجدی آماده راینژی درباره سند همکاری بلندمدت شد و باز به همین دلیل بود که تنها بعد از پدیدارشدن دورنمایی از احیای برجام، وزیر خارجه چین برای امضای سند نهایی به تهران آمد.

✎ **افکار عمومی نگران تبعات قراردادهایی هستند که می‌تواند بر استراتژی ایران، در بخش‌های مختلف منعقد شود؟ در ماه‌های گذشته گزارش‌هایی از استخراج بیت‌کوین در نقاط کویری ایران، با موضوع ماهی‌گیری خارج از استاندارد توسط طرف چینی در ایران منتشر شده است. ما می‌دانیم که موضوعاتی مانند تله بدهی در سریلانکا و کشورهای آفریقایی توسط چینی‌ها، به دنبال فساد سیستم‌اتیک و ناکارآمدی داخلی در این کشورها صورت گرفته است. حال اگر همین مدل را بخواهیم در ایران بچینیم با توجه به نگرانی از فسادی که در بخش‌های مختلف ریشه دوانده، راه برون‌رفت از آن چیست؟**

هنوز هیچ توافقی درباره موضوعات مورد علاقه طرفین انجام نگرفته و همین‌طور ماهیت و زمان عقد این توافق‌ها هم مشخص نیست، بنابراین چنین نگرانی‌هایی امروز موضوعیت ندارد. آنچه موجب نگرانی است،

و صرفاً آن را به تعویق انداخته است و تأنیا دربردارنده برنامه‌های موشکی و سیاست‌های منطقه‌ای نیست و در این فاصله ایران می‌تواند با پیگیری هرکدام از سؤالات موقعیت بهتری پیدا کند. با شکست سیاست فشار حداکثری، به نظر می‌رسد دولت بایدن یک بار دیگر به ایده اول بازگشته است؛ یعنی اجرای برجام و امیدواری به اینکه بتوان بعد از این اقدام، به سایر مسائل رسیدگی کرد. اما واقعیت این است که آن مسائل نمی‌توانند برنامه‌های موشکی یا سیاست‌های منطقه‌ای ایران باشد. نه امروز و نه در آینده چنین مذاکره‌ای اتفاق نخواهد افتاد. اساسا هیچ کشوری حاضر نیست که ابزارهای دفاعی و سیاست‌های منطقه‌ای خودش را مورد مذاکره قرار بدهد؛ درعین‌حال شاید دو کشور بتوانند در آینده و بعد از احیای موفق برجام، درباره انباشت و توازن تسلیحات در منطقه به نحوی که این منطقه را امرت‌تر کند و همین‌طور وضعیت عمومی امنیت در منطقه، مشارکت کنند. درست است که باید کشورهای منطقه در وهله اول مخاطب چنین مذاکراتی باشند؛ اما ایالات متحده نقش کلیدی در تأمین تسلیحاتی کشورهای منطقه داشته و در رساندن این منطقه به وضعیت امنیتی خطرناکی که شاهد آن هستیم، سهم بوده است؛ بنابراین می‌توان تصور کرد که آمریکا به نحوی قسمتی از این گفت‌وگوهای جامع منطقه‌ای باشد که هدف آن در نهایت خاتمه‌دادن به مداخلات ویرانگر آمریکا از یک طرف و تعدیل واکنش اجتناب‌ناپذیر ایران به این مداخلات از طرف دیگر است. در سال‌های اخیر ایران با پیشنهادهای متعددی مثل پیمان منع تجاوز، مجمع گفت‌وگوهای منطقه‌ای در خلیج فارس و در نهایت، ابتکار صلح هرمز آمادگی خود را برای ورود به این نوع مذاکرات اعلام کرده است. امروز این پیشنهادها، چارچوب خوبی برای ادامه گفت‌وگوهاست و درصورتی‌که آمریکا جدیت داشته باشد، می‌تواند از این مذاکرات ایران با کشورهای منطقه حمایت کند. با این‌زاویه نگاه هیچ مانعی برای ادامه گفت‌وگوها وجود ندارد.

✎ **برجام هنوز نتایج تسبیح بر جای‌مانده برای ایران است. حتی اگر نخب‌ها شده باشد، فعلا می‌تواند درهای رابطه ایران به سوی جهان باشد؟ ایران گام‌به‌گام از تعهدات هسته‌ای‌اش خارج شده و اگر چه این خروج با آمریکا را از ایران دورتر می‌کند؟**

ایالات متحده بیش از یک دهه است از افزایش نفوذ اقتصادی چین در مناطق جهانی از آسیای غربی تا آمریکا جنوبی نگران است. این مسئله که تهران پکن در سال‌های اخیر در حال تعمیق مناسبات میان خود بوده‌اند، بر آمریکا پنهان نبود. بااین‌حال، امضای سند اخیر دو دیدگاه در جامعه نخبگان واشنگتن شکل داده است؛ گروه اول تصور می‌کنند این همکاری جدید را باید مصداقی برای شکست سیاست فاشر حداکثری بر ایران و روسیه دانند ایران به سمت چین و روسیه که در نظر رقیب اصلی‌تر آمریکا هستند، در نظر گرفت؛ بنابراین آمریکا با درس‌گرفتن از اشتباهات گذشته باید با پایان‌دادن به سیاست‌های نادرست دولت ترامپ، به توافق هسته‌ای با ایران برگردد و مانع از عمق‌گرفتن روابط ایران و چین و بازکردن راه برای افزایش نفوذ پکن در خلیج فارس شود. گروه دوم به این نتیجه رسیده‌اند که این سند همکاری را باید مصداق اتحاد ضدآمریکایی چین، روسیه و ایران تفسیر کرد که این نیازمند مقابله جدی‌تر آمریکا با آن است. بااین‌حال، به نظر می‌رسد در قلب سیاست‌گذاری واشنگتن، این تفسیر مورد پذیرش بیشتری قرار گرفته که هرچند همکاری اقتصادی چین و ایران از نگاه واشنگتن نامطلوب است، ولی با وجود تحریم‌های اقتصادی علیه ایران و ابزارهای سیاسی آمریکا می‌تواند جهت‌گیری‌های آینده را تشخیص دهد، ممکن است متوازن‌کردن همکاری ایران و چین راهی دشوارتر شود. فکر می‌کنم در پس ذهن دولت‌مدران بایدن برای بازگشت به برجام، جولیوگی از افزایش نفوذ چین در خلیج فارس هم وجود دارد.

✎ **مناسبات منطقه‌ای و افزایش حضور و تأثیر ایران در معادلات منطقه از جمله سوریه، یمن و عراق چندر بر احیای برجام تأثیر منفی یا مثبت داشته است؟ به نظر می‌رسد قدرت‌گرفتن ایران در این حوزه‌ها، آمریکا را از توافقی که صرفاً به موضوع هسته‌ای محدود شود، بازدارنده و تمایل دارد به توافقی جامع‌تر دست یابد. برخی تحلیلگران معتقدند افزون‌د موضوعی به موضوعات مذاکره نمی‌تواند به نفع ما باشد و برخی دیگر آن را راهی برای عادی‌شدن روابط ایران می‌دانند. به زعم شما کدام‌یک از این‌دو دیدگاه نزدیک‌تر به واقع است؟**

از همان ابتدای انعقاد برجام، مخالفان این توافق در آمریکا معتقد بودند برجام با لغو تحریم‌ها به ایران امکان می‌دهد که با منابع مالی بیشتری به سیاست‌های منطقه‌ای خود ادامه دهد. با وجود این، مدافعان توافق هسته‌ای در آمریکا استدلال می‌کردند این توافق با هدف کمک بحران اتمی ایران، اعتمادی را میان دو کشور ایجاد می‌کند که می‌تواند راه را برای رسیدگی به سایر اختلاف‌های دو کشور هموار کند. البته طرف ایرانی هم با این برداشت مشکلی نداشت. رهبری در همان زمان باآوری کرد که برجام ژئومنی است که اگر غرب از آن سربلند بیرون بیاید، آن‌وقت می‌توان درباره دیگر مسائل هم گفت‌وگو کرد. خروج آمریکای ترامپ از برجام، نتیجه غلبه سیاسی گروه اول بود که فکر می‌کردند اولاً این توافق به‌طور کامل به برنامه‌های هسته‌ای ایران رسیدگی کرده

ادامه از صفحه اول

مهم‌ترین مسئله جامعه ایران

تعداد زیادی از گروه‌های تحصیل‌کرده جامعه معتقد هستند نبود آزادی و شفافیت در صد سال گذشته سبب توسعه‌نیافتگی شده است. گروهی مسئله تاریخی حاکمیت اندیشه جمع‌گرایی (تفکر سوسیالیستی و ناسیونالیستی) و عدم تحقق فردگرایی بازارمحور در میان روشنفکران و سیاست‌گذاران را بسیار چالش‌برانگیز می‌دانند و در مقابل، گروه دیگر سیاست‌های لیبرالی و نئولیبرالی را مسئله‌بنیادی جامعه ایران می‌پندارند. به نظر می‌رسد مسئله بنیادی‌ای که بسیاری از مسائل اشاره‌شده معلول آن هستند، در جای دیگری است و این است که دولت حاکم‌شدگی مجدد این دو در جامعه مدنی است. آرایش مناسب میان سه عرصه جامعه مدنی، دولت و اقتصاد در ایران شکل نگرفته که مسائل زیادی را در آرایش نامناسب را برملا کرده است. تصمیم‌گیری‌های مهم جامعه، سازمان‌دهی کار و اقتصاد، مناسبات اجتماعی و زندگی روزمره باید به وسیله افراد، گروه‌های مختلف، انجمن‌ها و سازمان‌های محلی و ملی صورت گیرد. همه باید امکان بیان و پیگیری منافع فردی و اجتماعی خود را داشته باشند. به‌رسمیت‌شناختن کثرت‌ها، به حداقل رساندن دوگانه‌انگاری‌ها در مناسبات اجتماعی و حک‌شدگی اقتصاد و دولت در جامعه مدنی، گام نخست در آرایش مناسب بین جامعه مدنی، دولت و اقتصاد (بازار) است. رنج ما نداشتن پروژه اجتماعی یا همان آرایش مناسب بین جامعه مدنی، دولت و اقتصاد (بازار) است. داشتن آرایش مناسب، وضعیت ما را در عرصه بین‌المللی بهبود می‌بخشد. وقت آن است که به جامعه بیندیشیم. وقت آن است که به آرایش مناسب بین جامعه مدنی، دولت و اقتصاد (بازار) است. داشتن آرایش مناسب، وضعیت ما را در عرصه بین‌المللی بهبود می‌بخشد. وقت آن است که به جامعه بیندیشیم. وقت آن است که به آرایش مناسب بین سه عرصه بیندیشیم. هم‌زمان با دولت قوی، جامعه مدنی قوی نیز نیاز است. در صد سال گذشته همیشه نیاز به دولت قوی محل بحث بوده، اما نیاز به جامعه مدنی قدرتمند به‌مثابه بی‌نظمی و مخاطره تلقی شده است. در آرایش و ارتباط مناسب بین جامعه مدنی و دولت، فساد اقتصادی و اداری کم می‌شود. جامعه مدنی قوی اجازه فساد نمی‌دهد. در ارتباط مناسب بین دو است که مسائلی مانند شکاف نسل‌ها، فاصله میان ارزش‌های عمومی و رسمی کم می‌شود و فضای مجازی خطر بزرگی تلقی نمی‌شود. در آرایش و ارتباط مناسب بین جامعه مدنی و دولت، بی‌اعتمادی از بین می‌رود. با حک‌شدن دولت در جامعه مدنی می‌توان برای محیط زیست تدبیر کرد و توافق عمومی و همبستگی اجتماعی به وجود آورد. در آرایش مناسب بین جامعه و دولت، شفافیت و آزادی توسعه پیدا می‌کند. اندیشیدن به آرایش مناسب بین جامعه مدنی، دولت و اقتصاد مهم‌ترین نیاز امروز جامعه ایران است.

✎ **استاد یار جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی**

حق مادر یا حق حیات جنین

پیرو گفت‌وگوهای بنیادین یادشده، اگر حق مادر را در زمینه سقط جنین نادیده انگاریم و جنین را محور مطالعه خود قرار دهیم، شاید از لحاظ حقوقی پاسخ به این پرسش که آیا جنین انسان دارای حق بر شناسایی شخصیت حقوقی است یا خیر؟ تکلیف حقوق‌دان را تا حدودی مشخص کند. اما واقعیت این است که پاسخ به این پرسش این است که جنین از چه زمانی واجد حق شناسایی بر شخصیت حقوقی است نیز دشواری می‌نماید؛ چراکه حقوق به تنهایی و بدون عاره‌برگرفتن افکار فیلسوفان و اخلاقیون تهی از هر معنایی است. گروهی حق بر شخصیت حقوقی جنین را انکار می‌کنند و او را زمانی واجد حق می‌دانند که متولد شود؛ تا پیش از تولد و زیست‌پذیری، او جزء جامعه اخلاقی نیست و فاقد هرگونه جنبه اخلاقی تلقی می‌شود؛ بر این اساس، سقط و نابودی موجودی فاقد حق را امری ممنوع نمی‌دانند. بعضی دیگر، همچون مسلمانان، جنین انسان را به‌عنوان انسانی با‌قوه از همان ابتدای شکل‌گیری نطفه و در دوران حیات انبوتی، محترم می‌دانند و بر این باورند که مادر به‌عنوان موجودی قوی‌تر، اختیار سلب حق حیات موجودی ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرتر را ندارد؛ مگر در مواردی خاص. در همین طیف از تفکرات، برخی زمان اعطای شخصیت حقوقی جنین را به مراحل آخر تکامل جنین و گروهی به مرحله پس از تولد او موقوف می‌کنند و سهم سزایی برای رشد عقلی و روانی او قائل هستند.

از آنجایی که این‌ طرح نفیاً و اثباتاً سخن و نظری درباره امکان سقط جنین ندارد، گفت‌وگوها درباره خود سقط جنین و انتساب آن به این طرح بیبوده می‌نماید. اما در مقام نقد، برخلاف بسیاری از قوانین که درستی و نادرستی آن را به تاریخ و تجربه حواله می‌دهیم، به نظر می‌رسد موضوعی این‌چنین غامض و پیچیده که هر سر طیف نظریات را بگیریم به حقوق بنیادین انسان‌ها و شهروندان (حقوق مادر یا حق حیات جنین) مربوط می‌شود، قابلیت واگذاری به شخصی غیر از قانون‌گذار (هیئت مندرج در ماده ۵۶) را ندارد؛ چراکه وظیفه قانون‌گذار همواره و معتقد به دیپلماسی حقوق شهروندان و حق حیات ایشان مطرح است، قائم به شخص و غیر قابل واگذاری است (اصل ۸۵ قانون اساسی). بر این اساس، انتظار می‌رود شورای محترم نگهبان آن را خلاف قانون اساسی تشخیص دهد.

✎ **استاد دانشگاه وکیل دادگستری**

ادامه در صفحه ۱۱